

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۰۶ جون ۲۰۱۸

طوفانی در راه است!

رویارویی دلیرانه هزاران تن از مردم ستمدیده شهر کازرون و به ویژه جوانان مبارز این شهر با نیروهای سرکوب رژیم در آخرین روزهای اردیبهشت ماه [ثور] که توسط جمهوری اسلامی به خون کشیده شد، صحنه برجسته دیگری از تداوم جنگ آشکاری را به نمایش گذارد که چه در قیام دیماه [جدی] و چه پس از آن در اشکال مختلف در جامعه جریان یافته است. جنگ مردم مبارز کازرون با نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی و رویدادهای مربوط به آن نیز به نوبه خود نشان داد که توده های تحت ستم ایران دیگر حاضر به تمکین در مقابل ستمگران خود نبوده و خواهان یک انقلاب اجتماعی در جامعه می باشند. شرح آنچه در کازرون گذشت گوشه ای از این واقعیت را عیان می سازد.

از مرداد ماه [اسد] سال گذشته به دنبال تصویب طرح تقسیم کازرون در یکی از کمیسیون های مجلس و هراس مردم از کاهش بودجه و امکانات محدود شهر، اعتراضاتی علیه این طرح توسط مردم صورت گرفت. تجمع در مقابل فرمانداری این شهر در اسفند [حوت] سال گذشته برجسته ترین مورد این اعتراضات بودند. ولی به موازات رشد فضای مبارزاتی علیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی در سراسر جامعه، از فروردین ماه [حمل] اعتراضات علیه تقسیم شهر کازرون به تدریج به اعتراضات ضد رژیمی بدل شد و به سطح خیابانهای شهر کشیده شد. تا جایی که در جریان یکی از این تجمعات و راهپیمایی ها، تظاهر کنندگان صحن نماز جمعه شهر را نیز تسخیر کرده و شعارهایی نظیر "رو به میهن، پشت به دشمن" سردادند. در این مقطع به رغم تمام تلاش های مقامات و جناح های مختلف آن که برخی در ابتداء به خاطر منافعشان می کوشیدند توده ها را در راستای اهداف ضد انقلابی خویش سازمان دهند، حیطه اعتراضات توده ای و شعارهای آن، چارچوب رژیم را درنوردید. تظاهرات ۲۶ و ۲۷ اردیبهشت ماه [ثور] نقطه اوج این رویدادها بود که به یک جنگ تمام عیار بین جوانان و نیروهای سرکوبگر محلی و تقویتی ارسال شده از شهرهای دیگر استان تبدیل شد.

در جریان این خیزش توده ای، رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی بنا به ماهیت ضد خلقی اش با استفاده از زور عریان، تظاهر کنندگان را به خاک و خون کشید و نیروهای سرکوبگرش چند تن از معترضان را با شلیک مستقیم به قتل رسانده و یا مجروح کردند. خبرگزاری های رژیم در ابتداء از کشتن حداقل یک نفر و مجروح شدن ۶ تن خبر دادند، اما بر اساس گزارشات مردمی، تعداد کشته شدگان بیش از سه نفر می باشد. در ویدئو های منتشر شده نیز دیده می شود که

توده های مردم طی تظاهراتی پیکر سه تن از شهدای کازرون را مشایعت کردند. در ضمن، تعداد نامعلومی از مردم به پا خاسته نیز توسط مزدوران حکومت دستگیر و به سیاهچالهای رژیم منتقل شده اند که از سرنوشت آنها فعلاً خبری در دست نیست. با وجود این سرکوبگری ددمنشانه، دشمن نه موفق شد تا برنامه خود را در این شهر پیش برده و نه توانست خشم خود را از ضرب شستی که جوانان کازرون با دست خالی به نیروهای سرکوبگر رژیم نشان داده بودند، پنهان کند. در چنین شرایطی، جلادان فریبکار حاکم به رغم تمام قساوتی که در سرکوب مردم به پاخاسته از خود نشان داده بودند، ریاکارانه مدعی شدند که نیروهای سرکوبشان با تحمل و نشان دادن "سعه صدر" در مقابل تظاهر کنندگان با آنها برخورد کرده اند. البته اعلامیه وزارت کشور ضمن تهدید مردم به پاخاسته با عربده کشی از "برخورد قاطعانه" با "مردم به جان آمده" سخن گفت و نشان داد که آن "سعه صدر" ادعائی در بارگاه دیکتاتوری حاکم چه معنائی دارد.

از سوی دیگر، در مواجهه با ابعاد این خیزش مردمی، فرمانده انتظامی استان فارس با نامیدن اعتراضات به حق مردم کازرون به عنوان "آشوب" کوشید تا در یک تناقض گویی رسوا و آشکار، تظاهرات را به عوامل "ضد انقلاب" و "گروه های معاند" و تبهکاران و بزهکاران اجتماعی "سابقه دار" منتسب کند. وی اعلام کرد: "این آشوب با دستگیری محرکان و لیدرهای اصلی که نزدیک به ۴۰ درصد آنان دارای سابقه کیفری هستند و برخی از آنان از خارج استان وارد این شهرستان شدند، پایان یافته است و کازرون اکنون در آرامش به سر می برد." امری که از همان ابتداء با ریشخند و تمسخر توده های وسیع مردم کازرون که برای سرنوشتی ستمگران حاکم و رسیدن به نان و آزادی به پا خاسته اند مواجه شد. این اظهارات توخالی و کذب در حالی توسط دیگر نهادها و مقامات حکومت تکرار شد که جوانان دلاور کازرونی (همان "لیدرهای" مورد نظر فرمانده مزدور نیروی انتظامی) یک روز پس از نبرد جانانه شان با مزدوران رژیم و نیروی ضد شورش اعزامی از شهر شیراز با تهیه فلمهایی از بقایای موتور سیکلت های سوخته شده نیروی انتظامی و خودروهای بسیج و سپاه که در سطح شهر به آهن پاره تبدیل شده بودند، در شبکه های اجتماعی از آنها به عنوان "هدیه مردم کازرون به جمهوری اسلامی" نام بردند و نشان دادند که چهره دشمن را شناخته و جنبش آنان نه صرفاً برای تقسیم و یا عدم تقسیم کازرون بلکه برای کندن ریشه ظلم و ستم و نابرابری است که این چنین دلاورانه به پا خاسته و نظم جمهوری اسلامی را به نبرد فراخوانده اند.

همه می دانند که تظاهرات چهارشنبه و پنجشنبه (۲۶ و ۲۷ اردیبهشت [ثور]) در شهر نقطه اوج اعتراضاتی ست که چند ماه است بر بستر طرح تقسیمات کشوری از این نقطه بسیار محروم کشور شعله کشیده و در مراحل آغازین خود به دلیل اختلاف منافع بین دست اندرکاران غارتگر رژیم نظیر امام جمعه و نماینده مزدور این شهر تا حدی فضای تنفسی پیدا کرد. اما با تعمیق اعتراضات، توده های به جان آمده به تدریج کنترل حرکات را خود به دست گرفتند. با احساس خطر و روشن شدن این حقیقت که در ورای اعتراض به طرح جدید تقسیمات کشوری، این توده به پا خاسته است که بی توجه به خواست "نماینده" و "امام جمعه" خنجر های انتقام ۴۰ ساله خود علیه ظلم و ستم کل حکومتیان را صیقل می دهد، صفوف اعتراضات در عمل از تمام مرتجعین و عناصر وابسته به آنان پالایش یافت و یورش قهر آمیز و قهرمانانه جوانان و مردم در ۲۶ و ۲۷ اردیبهشت ماه [ثور] به هر آنچه که نماد دیکتاتوری حاکم بود ترس و وحشت تمام مرتجعین را برانگیخت و باعث شد که وزارت کشور با دستپاچگی از "توقف" طرح حکومت برای تقسیم شهر خبر دهد. با این حال از آنجا که در واقعیت امر مسئله مردم صرفاً اعتراض به تقسیم شهر نبود، جنبش همچنان ادامه یافت.

تصاویر و گزارشات منتشره از این قیام توده ئی نشان دهنده عزم مردمی ست که با وجود آن که جمهوری اسلامی در طول چهل سال اخیر تسمه از گرده آنان کشیده و کمرشان را زیر بار فقر و گرانی و بیکاری و گرسنگی و زباله گردی

و کارتن خوابی و سرکوب وحشیانه هر صدای حق طلبی خم کرده، اما با روحیه والای مبارزاتی او را دوباره به مصاف مرگ و زندگی فرا می خوانند؛ و فریاد "وای بر روزی که مسلح شویم" و "دشمن ما همین جاست، الکی می گن امریکاست" (قسمت دوم این شعار چه بسا که مورد سوء استفاده مرتجعین قرار گیرد. اما آنچه مسلم است منظور توده ها نه تأیید امریکا بلکه اعلام ضدیتشان با سیاستهای تبلیغاتی فریبکارانه رژیم است که عملاً رو در روی آنان ایستاده و زندگی را به جهنمی برای آنان تبدیل کرده است) سر می دهند، خودروهای نظامی وحوش سرکوبگر آن را به آتش می کشند، کیوسک های پولیس ضد خلقی و نهادهای امنیتی را در شعله های آتش خشم خود می سوزانند و نیروهای سرکوب را که در رو یارویی با مردم در برخی نقاط از کار افتاده اند، با هلله و فریاد به مصاف فرا می خوانند.

فراموش نباید کرد که درست مدت کوتاهی پیش از قیام کازرون، امام جمعه پلید کازرون در خطبه های نماز جمعه عربده کشیده بود که "دیگر هیچ تجمعی نباید در کازرون شکل بگیرد، چراکه مسؤولان قول پیگیری دغدغه ها را داده و بحث تشکیل شهرستان جدید هم متوقف شده است." به رغم این درخواست اما مردم کازرون که از ابتدای حرکت با الهام از سمبلهای مبارزاتی شان نظیر "ناصر دیوان" (یک رهبر آزادیخواه کازرونی در زمان جنگ جهانی اول که توده های این منطقه را علیه امپریالیسم انگلیس متشکل کرد و با آنها جنگید و به همین خاطر در دل مردم آزاده جای دارد) پا به میدان گذارده بودند حتی تره هم برای ریش مرتجعینی نظیر امام جمعه این شهر خُرد نکردند و کنترل حرکت شان را خود به دست گرفتند. از این پس، نمایش مبارزاتی مردم کازرون چنان خُوفی را در دل مقامات حکومت ایجاد کرد که یکی از نمایندگان فریبکار مجلس ارتجاع، پس از وقوع درگیری ها با تلاش برای استتار علت واقعی خیزش قهر آمیز مردم با بیم و هراس مدعی شد که این اعتراضات "روال طبیعی ندارد". (اصغر مسعودی نماینده جمهوری اسلامی از نی ریز و استهبان در مصاحبه با ایلنا)

و یا همکار دیگر این نماینده، یعنی بهرام پارسائی نژاد، نماینده رژیم از شیراز در مجلس، ضمن اعتراف به این که "تقسیمات کشوری"، "عامل اصلی" ناآرامی های کازرون نیست آن را از زمره "همان اعتراضاتی" خواند که "به طور کلی در بخش های دیگر جامعه" وجود داشته و نشان اعتراض مردم "نسبت به وضعیت معیشتی و اقتصادی و همچنین اوضاع اشتغال" شان می باشد و "اعتراض" به طرح تقسیمات "بهانه" ای بیش نیست.

انرژی و پتانسیل عظیم انقلابی که مردم کازرون یعنی کارگران، زحمتکشان و سایر توده های در بند این شهر در رویدادهای اخیر از خود به نمایش گذاردند پیش از هر چیز نمایانگر این واقعیت است که ۴۰ سال حاکمیت ظلم و استبداد جمهوری اسلامی از جامعه تحت سلطه ما یک انبار باروت ساخته است. در چنین شرایطی هر گونه ورود توده مردم به هر بهانه ای به صحنه مبارزه مستقیم، لاجرم احتمال یک انفجار بزرگ تر توده ئی علیه کلیت حاکمیت استثمارگرانه جمهوری اسلامی را با خود حمل می کند.

در چنین شرایطی صرف نظر از دشمنان شناخته شده مردم، جریاناتی هم در اپوزیسیون وجود دارند که سعی در خلط حقایق و گمراه کردن افکار عمومی را دارند و جنبش های توده ئی اخیر یکی از بسترهایی ست که این نیروها با تمرکز بر آن ها مشغول پخش ایده های انحرافی خویش در جامعه می باشند.

نیروهای فوق به رغم شواهد آشکار مبنی بر وجود یک دوران انقلابی در جامعه ما و برآمدهای آشکار و وسیع توده ئی و به رغم مشاهده تأثیرات خیره کننده خیزش قهرمانانه توده ئی در کازرون، تحت نفوذ تبلیغات رسانه های معلوم الحال و مرتجع امپریالیستی که وظیفه ای جز سد کردن راه انقلاب ندارند، هنوز رویدادهای کازرون را تخطئه می کنند. این نیروها با مستمسک قرار دادن عواملی نظیر دخالت و نقش این یا آن مهره هیأت حاکمه در شکل گیری خیزش توده ئی در کازرون و "محدودیت" آن در چنبره اعتراض به تقسیمات کشوری، با تنگ نظری تمام این جنبش را یک جنبش

صرفاً "مطالباتی" خوانده و بعد حکم صادر می کنند که نباید آن را مورد تأیید و پشتیبانی قرار داد. نیروهای فوق با چنین ایده های باطلی، نهایتاً خواسته یا ناخواسته به همسویی با موضع استثمارگران و سرکوبگران حاکم در می غلتند و در مقابل سیل مبارزات مردمی می ایستند. نیروهای فوق با اتخاذ چنین موضعی نشان می دهند که از درک واقعیات مبارزاتی عینی در جامعه ما ناتوانند. آنها اساساً به روندهای عمومی حاکم برجایه ما که به طور روزمره منعکس کننده تعمیق و شدت یابی تضادهای طبقاتی و فشار فزاینده دیکتاتوری حاکم بر تمامی طبقات و اقشار تحت ستم می باشد بی توجه اند و نمی خواهند ببینند که در نتیجه تراکم تدریجی آن فشارهاست که بالاخره در یک نقطه و با یک دستاویز واکنش های روزمره طبقات تحت ستم به وضع موجود بروز پیدا می کنند و در رادیکالترین اشکال مبارزاتی جلوه گر می شوند. و بالاخره در تئوریه و تحلیل های آنان که ربطی به واقعیات ندارند، جواب این پرسش ساده غایب است که به فرض نقش یک امام جمعه و یا نماینده مرتجع مجلس که در ابتدای این جنبش توده ئی کوشیده مردم را در جهت تحقق خواست منفعت طلبانه خود سازماندهی کنند، چرا این مردم با وجود قول رژیم برای توقف طرح تقسیم شهر و عریه کشی های همان مقامات برای توقف تجمع و اعتراض، برای مدتها در صحنه مبارزه مستقیم با کل رژیم باقی می مانند و سینه خود را در مقابل گلوله های مزدوران حکومت سپر می کنند و چنان شعارهای رادیکالی را سر می دهند؟ آیا مسأله تقسیم و عدم تقسیم کازرون است که چنان پتانسیل عظیم مبارزاتی را در توده ای که به حرکت درآمده موجب می گردد؟ و یا منشاء چنین پتانسیلی خواست طبقاتی توده ها برای نابودی "دشمن" شان و از بین بردن عامل اصلی تمامی نابرابری ها و ظلم و سرکوب های ۴۰ سال گذشته می باشد که طرح تقسیم کازرون تنها یکی از کم اهمیت ترین آنهاست؟

اکنون مدتهاست که کارگران و زحمتکشان، توده های محروم و بی چیز، جوانان و بیکاران، زنان تحت ستم و خلاصه تمامی طبقات و اقشاری که تیغ دیکتاتوری حاکم، هر روز زندگی و حیات آنها را زیر ضرب خود گرفته با عبور از چنبره تمام جناح های حاکمیت، در پی نابودی کلیت این رژیم وابسته و فاسد و سرکوبگر هستند. آنها این واقعیت را به طور روزمره در اعتصاب های دائمی کارگران، تداوم جنبش هزاران نفر از مالباختگان در شهرهای مختلف، قیام دهقانان، مبارزات زنان برای حق آزادی پوشش و نابودی قوانین ضد زن و شورشها و اعتراضات متعدد زحمتکشان به نمایش می گذارند.

تظاهرات و جنگ دلاورانه مردم کازرون، پژواک نبض بلند قیام اردوی کار و زحمت است که در دی ماه [جدی] سال ۱۳۹۶ بار دیگر از میان خاکستر جنبش های قبلی پر کشید. این خیزش، تداوم خواست توده های تحت ستم بی شماری ست که برای نابودی نظام استثمارگرانه موجود و تمام نیروهای حافظ آن به پا خاسته اند. این جنبش به رغم تمام اُفت و خیزهای مبارزاتی تا کنونی اش به خاطر روحیه تسلیم ناپذیری و مقاومت مردمی حاکم بر آن، توانسته لرزه بر تن دولتمردان استثمارگر حاکم انداخته و پرچم تحقق نظام دمکراتیکی که خواست "نان، کار و آزادی" در آن تضمین شده باشد را همچنان برافراشته نگاه دارد. وظیفه تمامی نیروهای انقلابی و انسانهای آزادیخواه است که با تمام قوا از این جنبشها و اهداف به حق آن در هر کجا که هستند به دفاع برخیزند.

به نقل از: پیام فدائی، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۲۲۷، اردیبهشت ماه [ثور] ۱۳۹۷